

## نسبت سرمایه اجتماعی و صندوق های بیمه‌ای

تصور هرگونه موفقیت در پروژه‌های اجتماعی، اقتصادی و به طور کلان سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و اقتصادی بدون در نظر گرفتن پتانسیل نیروی انسانی و سرمایه‌های فکری، معنوی و اجتماعی آن ناممکن است. می‌توان گفت که پشتیبان هر سازوکار اجتماعی، سرمایه اجتماعی است. این چنین است که نظام‌های رفاهی هر کشور و صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی آن، بدون توجه به تقویت و محافظت از سرمایه‌های اجتماعی بازوی اجرایی خود را از دست خواهند داد. در این صفحه نگاهی انداخته‌ایم به نسبت سرمایه اجتماعی و صندوق‌های بیمه‌ای، و در خلال آن راه‌های ارتقای سرمایه‌های اجتماعی را بررسی کرده‌ایم.

یکشنبه ● ۵ شهریور ۱۳۹۶ ● شماره صد و هفده

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

## مردطرنس

پرسه‌ای در اندیشه‌ها و نظریه‌ها

### بررسی تاثیر و نقش بیمه‌های اجتماعی در تقویت سرمایه اجتماعی

# تأمین اجتماعی، سپر دفاعی سرمایه اجتماعی

این بدان معناست که رویکرد همه‌جانبه‌ای در خلق سرمایه اجتماعی عدالت‌محور وجود دارد. «علی‌رضا حیدری» کارشناس بیمه‌های اجتماعی، در گفتگو با آتیپه‌نو با اشاره به اهمیت جایگاه نظام حمایت‌های بیمه‌ای در حفظ و ارتقای سرمایه‌های انسانی می‌گوید: «در نظام حمایت‌های بیمه لایه‌های مختلفی داریم. ابتدا باید گفت که اصل ۲۹ قانون اساسی تشریح کرده است که نوع حمایت‌های اجتماعی باید از چه منطقی برخوردار باشند.» به گفته حیدری، در لایه اول و دوم که لایه‌های امدادی و حمایتی است منابع انسانی زیر چتر حمایتی قرار می‌گیرند تا از حداقل‌های زندگی و حیات برخوردار باشند.وی لایه سوم، یعنی لایه بیمه‌های اجتماعی، را جلوه‌گاه مشارکت منابع انسانی جامعه برای رسیدن به رفاه می‌داند: «خصوصی لایه سوم این است که مشارکت مردمی را می‌طلبد. نمونه آن صندوق‌های بازنشستگی، نفت و آینده‌ساز است که این صندوق‌ها از محل حق بیمه‌های اعضا اداره می‌شوند.» حیدری لایه چهارم را بیمه‌های مکمل دانسته و می‌افزاید: «در بیمه‌های مکمل که ماهیت تجاری دارند بیمه‌شدگان حجم تعهدات را خود تعیین می‌کنند. این چهار لایه مجموعه‌ان چیزهایی است که برای منابع انسانی تعریف شده است.» به اعتقاد این کارشناس بیمه‌های اجتماعی، تضعیف جایگاه سرمایه‌های اجتماعی موجب خروج آنها از چتر حمایت‌های بیمه‌ای می‌شود و این خروج موجب تضعیف جایگاه سازمان‌های بیمه‌گر خواهد شد.

#### آمارها چه می‌گویند

موسسه پژوهشی لگاتوم هرساله گزارشی در خصوص رتبه‌بندی شاخص‌های رفاه در ۱۴۲ کشور دنیا منتشر می‌کند. لگاتوم از سال ۲۰۰۷ این گزارش‌ها را منتشر کرده است و پژوهشگران آن، شاخص رفاه را براساس «ترکیبی از وضعیت کشورها در هشت حوزه مختلف» تعریف کرده‌اند. سطح رفاه در کشورها با مقایسه وضعیت آنها در هشت حوزه اقتصاد، فرصت‌های کسب‌و کار، حکومت‌داری، آموزش، سلامت، امنیت و ایمنی، آزادی‌های فردی، و سرمایه اجتماعی سنجیده می‌شود. ایران در شاخص رفاه جهانی سال ۲۰۱۶ در رتبه ۱۱۸ قرار گرفت که در مقایسه با رتبه ۱۰۶ از میان ۱۴۲ کشور در شاخص سال گذشته، چند پله سقوط داشت. رتبه ایران در سال ۲۰۱۶ در مولفه سرمایه‌های اجتماعی ۷۴ است که البته در سال ۲۰۱۵ ایران در جایگاه ۱۱۵ قرار گرفته بود. رتبه ایران در مولفه سرمایه اجتماعی در گزارش سال ۲۰۱۴ موسسه پژوهشی لگاتوم ۱۱۰ بود. درمجموع ایران توانسته رتبه خود را لااقل در مولفه سرمایه‌های اجتماعی از انتهای جدول ۱۴۲ کشوری بالا بکشد و به رتبه بهتری برسد. به هر روی، این برای ایران شروع مناسبی از سال ۲۰۰۷ است که این گزارش سالانه منتشر می‌شود. بالا آمدن رتبه ایران در مولفه سرمایه‌های اجتماعی نشان از آن دارد که تلاش‌ها در زمینه اشاعه اطمینان و اعتمادبخشی و قرار دادن آن در یک رابطه درهم‌کنشی با تک‌تک افراد جامعه موثر بوده است. البته این مهم بدون ایجاد تحول در ساختار بیمه‌های اجتماعی و تعریف یک نظام چندلایه حمایتی برای آن ممکن نمی‌شد.

است، گفت: «از این رو صندوق‌های بیمه‌ای باید به منظور افزایش توسعه و پوشش محرومان، جامعه را براساس سقف توانایی پرداخت آنها بیمه کنند که این مسئله در راستای حفظ، پایایی و مانایی‌های سرمایه‌های اجتماعی قابل تفسیر و تدقیق است.» این کارشناس تأمین اجتماعی افزود: «باید مردم را تشویق کنیم که به خاطر خودشان تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار بگیرند، که این امر در کل به معنی حاکم کردن یک نظام حمایت‌گرایانه است که با سیاست‌گذاری اصولی ریل‌بندی شده است و حالا در این چارچوب می‌توان به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی امیدوار بود.»

#### سرمایه اجتماعی در نظام بیمه‌ای چندلایه

یکی از اهداف دولت یازدهم برای حمایت و توانمندسازی افراد جامعه ایجاد نظام تأمین اجتماعی چندلایه بود. اردیبهشت‌ماه امسال سند نظام چندلایه تأمین اجتماعی با هدف «پایدارسازی قشر کم‌درآمد»، «مصون‌سازی صندوق‌های بازنشستگی از افزایش بار مالی» و «اولویت‌بندی خدمات برای توانمندسازی اقشار مختلف جامعه» منتشر شد. آنچه اهمیت این سند را برای حمایت از سرمایه اجتماعی مهم جلوه می‌دهد تنظیم آن بر اساس ماده ۲۷ قانون برنامه پنجم توسعه با رعایت حداقل سه لایه «مساعدهت‌های اجتماعی»، «بیمه‌های پایه» و «بیمه‌های مکمل» است. کنار هم گذاشتن این سه اصل در ماده ۲۷ نشان از آن دارد که قانون‌گذار تمامی افراد جامعه اعم از حادثه‌دیدگان، کارگران و بازنشستگان را تحت پوشش حمایت بیمه‌ای قرار می‌دهد و

کرد که حالا می‌توان از آن به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی یاد کرد.

#### صندوق‌های بیمه‌گر، موتور پیشران توسعه

با توجه به آنچه گفته شد، اگر بخواهیم سمت‌وسوی سرمایه اجتماعی را در یک جامعه صورت‌بندی کنیم نیازمند توجه به صندوق‌های بیمه‌گر هستیم، صندوق‌هایی که حالا در مقایسه با ۱۳۷ سال پیش (زمان صادرات بیمه‌سارک) کارکردهای متفاوتی دارند و تعداد بیمه‌پردازان آنان نیز متفاوت است. برای نمونه می‌توان به سازمان تأمین اجتماعی با بیش از ۳ میلیون مستمری‌بگیر و بیش از ۱۳ میلیون بیمه‌پرداز در سراسر کشور اشاره کرد. این صندوق فراگیرترین صندوق بیمه‌ای کشور است. در این شرایط باید در نظر گرفت که جامعه کار و تولید کشور به آن چشم‌امید بسته‌اند و از این رهگذر آتیپه آنان تضمین می‌شود اما اگر به هر دلیل این چتر حمایتی از بالای سر بیمه‌شدگان برداشته شود و با جایگاه استراتژیک آن تضعیف شود دیگر به‌سختی می‌توان هر نوع انگیزه‌ای برای کار در سرمایه‌های انسانی جامعه یافت.

«عباس اورنگ» کارشناس تأمین اجتماعی در این زمینه به آتیپه‌نو می‌گوید: «سازمان‌های بیمه‌گر هیچ‌گاه حق ندارند منافع صندوق‌ها را در اولویت قرار دهند، بلکه باید نگاه آسیبی داشته باشند. به همین دلیل است که می‌گوییم افراد نباید از زیر چتر حمایت‌های بیمه‌ای خارج شوند اما به هر روی در کوتاه‌مدت بر اثر خارج شدن افراد از شمول حمایت‌های بیمه‌ای درآمدهای صندوق‌های بیمه‌ای کاهش می‌یابد.» وی با بیان اینکه جمعیت یک کشور سرمایه اجتماعی آن

#### نمای نژده‌یک

نادیده گرفتن مسئله عدالت اجتماعی موجب می‌شود کژکارکردی‌های اقتصادی باعث سقوط سرمایه‌های انسانی شوند که این مسئله سرمایه اجتماعی را با خطر متوجه می‌کند، پس نمی‌توان این موارد را از هم منفک دانست.

## جامعه بدون سرمایه اجتماعی به ثروت نمی‌رسد

کالاها و خدمات قابل فروش در بازار مصرف می‌شود. شکل اقتصادی سرمایه بلافاصله قابل تبدیل به پول است مانند دارایی‌های منقول و ثابت یک سازمان که درواقع سرمایه اقتصادی آن است؛ بنابراین می‌بینیم که سرمایه اقتصادی کاملاً ملموس است یا حتی سرمایه فرهنگی که آن نیز به‌نوعی ملموس است مانند آثار باستانی یک کشور، تابلوهای نقاشی و کتاب و حتی فیلم‌های سینمایی یک کشور. همچنین سرمایه فرهنگی در برخی شرایط به سرمایه اقتصادی مبدل می‌شود و به شکل کیفیت آموزشی نهادینه می‌شود مانند تحصیلات عالیه اعضای یک سازمان. اما منظور از سرمایه اجتماعی چیست؟ واقعیت امروزه جوامع آن است که مفهوم سرمایه دیگر فقط محدود به موضوعات اقتصادی و حتی فرهنگی نیست و در حوزه روابط انسانی نیز

#### «مریم جمشیدی» ● کارشناس جامعه‌شناسی

«سرمایه اجتماعی» حدود نیم‌قرن است وارد مجموعه اصطلاحات جامعه‌شناسی شده است. اولین بار «ژان ژاکوب» در سال ۱۹۶۱ آن را به کار برد؛ وقتی که مطالعاتی را درخصوص بحران در شهرهای آمریکا انجام می‌داد. امروزه سرمایه اجتماعی را رکن سوم توسعه می‌نامند و «جیمز کلمن»، «رابرت پاتنام» و «بورديو»، سه نظریه‌پردازي هستند که بیشترین مباحث را درباره سرمایه اجتماعی داشته‌اند.

وقتی درباره سرمایه اقتصادی صحبت می‌کنیم، همه می‌دانند که منظور ذخیره‌ای از منابعی است که برای تولید

#### ● یادداشت ● محمد آقازاده ●

#### توزیع عادلانه

#### منابع و سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی سیمانی است که دیوار روابط اجتماعی را آجر به آجر به هم متصل می‌کند تا استحکام کل بنا حفظ شود. اگر این سیمان استحکام و قدرت نگهداری‌اش را از دست بدهد، بی‌تردید کل بنا فرو می‌ریزد. این سرمایه پشتوانه نظم‌های معناداری است که به شکل قانون و عرف، شاکله جامعه را قوام و دوام می‌بخشد. این سرمایه چطور شکل می‌گیرد، تلاوم می‌یابد و در نهایت از دست می‌رود؟ جامعه یک کل معنادار است و تک‌تک افراد از این کلیت، هستی اجتماعی‌شان را کسب می‌کنند و به منش فردی‌شان شکل نهایی می‌دهند. فرمول معروفی است که به صورت شعار، سرلوحه همه جنبش‌های اجتماعی است: «یکی برای همه و همه برای یکی.» این شعار نشان می‌دهد رابطه دیالکتیکی فرد و جامعه، به‌روزی فردی و جمعی را تضمین می‌کند. با این رویکرد سعادت امری فردی نیست و منطقیش را از تعریف و بازتعریف دیگران می‌گیرد. سرمایه اجتماعی هر فرد، نهاد و قدرتی از این منطق جان می‌گیرد که تک‌تک افراد احساس کنند منفعت فردی خود را راجع بر منافع عمومی نمی‌دانند و حتی حاضرند از منفعت فردی به سود جمع بگذرند. نظام‌های ارزشی هر فرد و نهاد به طور جدایی‌ناپذیری در تضادم متقابل با ارزش‌های دیگر قفل شده‌اند و جایی که افراد به صورت حداقلی با منفعت فردی‌شان روبه‌رو می‌شوند کلید باز شدن این قفل یافت می‌شود. منابع اقتصادی و سیاسی در جامعه کیمیا است و هرچه این منابع به طور عادلانه توزیع شود سرمایه اجتماعی امری فراگیر می‌شود و در شرایط عکس، بی‌اعتمادی جامعه را دچار جدال می‌کند. حاکمیت روابط سوداگرانه و رانت‌خواران در جوامع در نهایت منکی بر دروغ، ریا و ناشفافیت است و در این ناشفافیت است که در هر مبادله‌ای فرد مراقب است که آن دیگری سرش کلاه نگذارد. همین بی‌اعتمادی کلاه‌گشادی است که سر کل جامعه می‌رود. راحل رهایی از دست‌رفتگی سرمایه اجتماعی مبارزه با فساد ساختاری، حذف ارادت و رابطه‌سالاری به‌جای شایسته‌سالاری و حاکمیت قواعد روشن و دقیق به جای سلیقه‌زدگی است. مسئله دوم ایجاد اعتماد نسبت به آینده برخطاره و ناشناس است. یعنی هر کس دنبال گارتاری برای خود است و بیمه‌هایی مثل تأمین اجتماعی پیشاپیش این گارتاری را تضمین می‌کنند. تقویت این نهاد و دادن امکان‌هایی چون اصلاح دستمزد مستمری‌بگیران راه مشخصی برای ترمیم سرمایه اجتماعی است.

روزنامه‌نگار

#### ● یادداشت ● محمدقلی بوسنی ●

### سرمایه اجتماعی و نیروی کار

سرمایه اجتماعی به شرایط کلی جامعه، اعتماد افراد به یک‌دیگر و به دولت بازمی‌گردد. هرچه جامعه‌ای مشکلات اقتصادی و اجتماعی بیشتری داشته باشد، پایدینی‌اش به اصول و ارزش‌ها کمتر است و در نتیجه سرمایه اجتماعی‌اش کاهش می‌یابد. در شرایطی که در جامعه بیکاری، فقر و فساد وجود داشته می‌یابد در چنین شرایطی دروغ، نیرنگ و فریب نهادینه و جایگزین اعتماد و احترام متقابل می‌شود. سرمایه اجتماعی اشکال مختلفی به خود می‌گیرد. اعضای گروه‌های تنه‌کار برای ادامه فعالیت خود به یکدیگر اطمینان می‌کنند اما ما هیچ‌گاه اسم آن را سرمایه اجتماعی نمی‌گذاریم، بلکه این صرفاً یک هم‌بمائی است. سرمایه اجتماعی از این لحاظ سرمایه است که مانع استهلاک افراد و داشته‌های جامعه می‌شود. باید یادآوری کرد که کلیه افراد یک جامعه که در بستر مولفه‌های سرمایه‌های اجتماعی به رشد و بالندگی رسیده‌اند باید بتوانند از حاصل دسترنج خود زندگی کنند و هیچ دولتی نباید عده‌ای را از محل منابع عمومی و توزیع رانت از مواهب بهره‌مند کند و در مقابل عده‌ای را ضعیف‌تر سازد. از این‌رو دولت‌ها باید این ظرفیت را به وجود آورند که همه افراد به یکسان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی مشارکت کنند تا این تصور به وجود نیاید که بدون کار و زحمت می‌توان ثروتمند شد. به عبارتی هر فرد به‌مثابه یک تولیدکننده باشد که البته این متضمن وجود یک نظام بیمه‌ای فراگیر است. به بیان دیگر مجموعه نهادهای دولتی باید شرایطی را فراهم کنند که افراد بتوانند نیازهای یکدیگر را تأمین کنند و از قِبل آن صاحب در آمد شوند. سرمایه اجتماعی هم مفهومی به غیر از این ندارد.

اقتصاددان

